

پیشنهاد

۴۷ مدال برای سهراب



سیدمحسن هاشمی کارشناس فرهنگی

● کار ما شاید این است که میان کل نیلوفر و قرن بی آواز حقیقت بدویم سهراب سپهری در میان عموم مردم، شاعری شناخته‌شده و شهره است، اما سهراب نقاش در میان دوستداران هنرهای تجسمی، جایگاهی ممتاز و برجسته دارد. با زیست موحدانه - عارفانه او تجربه‌ای متفاوت را در ذهن و درک مردمان از این نقاش که به مرک زودهنگام نیز این جهان را ترک کرد، شکل بخشیده است.

وی از هنرمندان نوگرایی به شمار می‌رود که برآمده از تگرشی نو در ادبیات مدرن ایران است. سهراب، شاعر و نقاشی است که پیوستگی عمیق و گسترده‌ای میان اشعار و نقاشی‌هایش قابل مشاهده و پیگیری است. در آثار نقاشی این مدرنیست ایرانی، تخیل برتر از تجربه حسی و درک خردی، نشان داده می‌شود و شاید همین امر موجب شده تا امکان درک عمیق‌تر امر برتر ناپیدا برای این هنرمند شاعر و نقاش، فراهم شود.



سهراب دلبسته دشت و کویر کاشان بود و این دو را در اشعار و نقاشی‌هایش بی‌پروا آشکار می‌کرد.

درست دهه سوم اردیبهشت‌ماه سال جاری بود که پرویز تناولی، هنرمند مجسمه‌ساز و پژوهشگر هنر ایران، به مدیران مؤسسه فرهنگی، هنری ماه مهر پیشنهاد کرد تا به مناسبت نودمین سالزاد سهراب سپهری، شاعر و نقاش، رویداد یا مسابقه هنری برپا کنند. مدیران ماه مهر با استقبال از این پیشنهاد، مقررات و فراخوان مسابقه طراحی و ساخت مدال سهراب را با موضوع شخصیت، اشعار و نقاشی‌های سهراب، تنظیم و پس از ویرایش استاد تناولی در ششم خردادماه منتشر کردند.

ثمره این ایده و کوشش هنرمندان، طراحی و ساخت ۴۷ مدال شده است که در هفته جاری توسط هیئت داوری متشکل از پرویز تناولی (استاد مجسمه‌سازی و پژوهشگر هنر ایران)، مارس‌ی برونه (رئیس انجمن مدال انگلستان)، مونا یاد (مدرس و هنرمند مجسمه‌ساز)، الهه جواهری (گالری‌دار و عضو هیئت مؤسس ماه مهر) و هدیه تهرانی (بازیگر و هنرمند عکاس) بررسی می‌شوند و برای حضور در نمایشگاه «گرامیداشت سهراب» در گالری ماه مهر، از ۱۳ مهرماه تا سوم آبان‌ماه به نمایش درخواهند آمد.

جارچی

نمایش مستند ایرانی در جشنواره حقوق بشر برلین

● مستند «روایهای دم صبح» به عنوان یکی از فیلم‌های بخش اصلی جشنواره بین‌المللی حقوق بشر در شهر برلین آلمان به روی پرده می‌رود.

جشنواره بین‌المللی حقوق بشر برلین که از تاریخ ۲۰ تا ۲۶ سپتامبر (۲۹ شهریور تا چهارم مهر) برگزار می‌شود، در بخش اصلی خود علاوه بر مستند «روایهای دم صبح» به کارگردانی و نویسندگی مهرداد اسکویی، میزان نمایش هشت فیلم دیگر از کشورهای مختلف است و ساخته اسکویی قرار است دو نمایش در روزهای ۲۲ و ۲۳ سپتامبر (۳۱ شهریور و اول مهر) در جشنواره داشته باشد.

همچنین قرار است محمد حدادی مدیر فیلم‌برداری این مستند به نمایندگی از گروه فیلم‌سازی در جشنواره حضور پیدا و با مخاطبان گفت‌وگو کند.

«روایهای دم صبح» که پخش بین‌المللی آن را نسرین میرشب برعهده دارد، روایت‌کننده سرگذشت دختران نوجوانی است که در روزهای پایانی سال، برای گرفتن حکم آزادی خود از کانون اصلاح و تربیت انتظار می‌کشد. کسب جایزه غنو بین‌المللی از جشنواره بین‌المللی فیلم برلین، اعطای جایزه بزرگ جشنواره «ترو فالس» آمریکا به مهرداد اسکویی به عنوان بهترین مستندساز سال ۲۰۱۶، دریافت جایزه بزرگ و نیز جایزه بهترین فیلم «الهام‌بخش» از جشنواره «فول فریم» آمریکا از جمله جوایز بین‌المللی مستند «روایهای دم صبح» است.

علی اسدی؛ دهه ۴۰ بر تارک سپهر ایران‌زمین دهه ظهور گذاره‌هایی از آتش گر گرفته بر تل خاکستر میهن و دهه ظهور نام‌های شگفتی در هنر ماست، اما ققنوس فرهنگ ایران‌زمین از موسیقی برمی‌خیزد. آذر ۱۳۴۵ است که برای اولین‌بار صدای تو از طریق امواج «رادیو ایران» همچون امواج دریا به ساحل قلب مردم فرومی‌ریزد. صدایی که از مخملستان پگاه خراسان همچون خورشید خاوری به سرتاسر میهن مهین پرتو می‌افکند و بحق «راوی تاریخ معاصر ایران» می‌شود تا جایی که خودت می‌گویی: «شما تاریخ معاصر را می‌توانید در اشعار خوانده‌شده من پیدا کنید؛ بیشترین وقت من برای انتخاب شعر می‌گذرد و گاهی ماه‌ها برای انتخاب شعر وقت می‌گذارم».

دیری ناپیاید که هزاردستان ما عصاره همه جریان‌های تاریخ آوازی موسیقی ایران‌زمین شده؛ اصول زیباشناختی آواز و تناسیبش با شعر را از صدای طاهرزاده، تحریرهای چکشی، غلت صدا و تصنیف‌های ضربی را از دوا می، بداهه‌های زیبا و ویریه‌های طولانی را از ساز عبادی، جمله‌بندی درست آواز را از مهرتاش، مشق چابکی و مهارت خواندن را از ساز پایور، دقت و وسواس ظرایف را از شیوه نورعلی‌خان برومند آموختی و دل به نغمات اقبال‌السلطان و تاج اصفهانی، بنان، ظلی و قمرالملوک سپردی تا نه‌فقط یک استاد آواز موسیقی ایرانی، بلکه جامع موسیقی ایران باشی. و اینها جرئت‌مندان می‌کند که تا این‌گونه بخوانیمت: «صدای ایران»

بااین‌همه کیست که نداند شمس مولانی آ‌واها و نواهای سزیمین، جلیل شهناز است. «هزاردستان موسیقی ایران» نمک صدایش را از شور ساز شهناز می‌گیرد و شیرینی صدایش، وامدار شکرستان انسان‌شناسی دادیه، ری‌تورآر آموزش موسیقی ایران ده‌ها بود که فقط ردیف می‌آموخت، اما تو تنها کسی هستی که پس از کسوت استادی با نیازسنجی بهنگام، دوره عالی آواز را بنیان گذاشتی تا هنرآموز از تقلید و مصرف‌کنندگی به تولید و بالندگی برسد و آگاه باشد که پس از آموختن مهارت‌های آواز، چگونه پیام و کلام و چهره و صدا را هم‌گون کند. همیشه استاد! برای شاکردی چون من که از دوران طفولیت در دامن بزرگان فرهنگ و هنر ایران‌زمین رشد کرده‌ام و ازاین‌رو بی‌اختیار کمال‌گرایی در وجودم رخنه کرده، یکی از دشوارترین کارها این بوده که خاصه به وقت تحسین افراد، از قلمص مراقبت کنم؛ مباد واژگانی استخدام کنم که اغراق‌گون باشد. اما عجیب که خزانه واژگانم در توصیف بزرگی تو، تهی است. جایی که نامداران و بزرگان خود چونان زبان به مدحت گشوده‌اند که کلاه از سر کودک عقل می‌افتد. از همین «ربنای» بحث‌برانگیز بگویم؛ خاطرم هست سال‌ها پیش در جمعی نشسته بودیم که در آن عزیزی که به «استادالقراء ایرانی» شهرت دارد، می‌گفت: «با اینکه همدوره و رقیب قرآنی شجریان در سال‌های منتهی به انقلاب بودم، اذعان دارم که ربنای او از نظر زیبایی صوت و تجوید بی‌نقص و دست‌نیافتنی است».

هوشک ابتهاج در توصیف ربنایت سروده: «قدسیان می‌دمند نای تَر/ تا خدا بشنود نَوای تَر/ آسمان پهن کرده گوش که باز/ بشنود بانگ ربنای تَر» و می‌گوید: «اگر حافظ می‌دید که شجریان با چه شغف و زیبایی و حلاوتی شعر او را می‌خواند چه‌ها که نمی‌کرد. من چه خوشبختم که در این زمان و مکان زندگی می‌کنم و خاطره‌ای ذکر می‌کند که «شبی سه نسل خواننده؛ یعنی ادیب خوانساری، قوامی و شجریان حضور داشتند و استاد قوامی در آنجا گفت: در آواز هر کاری که ما آرزو داشتیم و نتوانستیم انجام بدهیم، آقای شجریان کرده است».

به مناسبت آغازین روز مهرگان خورشیدی؛ زادروز خورشید آواز ایران

صدای تورا دوست دارم



علی اسدی در جشنواره بین‌المللی فیلم برلین

آیدین آغداشلو: «هنرمندان اندکی این بخت را دارند که عالی‌قدر گفت آنچه خوبان همه دارند، تو تنها داری». **جواد مجابی:** «استاد شجریان در طول و عرض تاریخ ایران دوبده؛ حتی راه نرفته». **سیمین معتمدآریا:** «استاد شجریان در تعریف نمی‌کنجد». **شهرام ناظری:** «صداهای خوب فراوان است، ولی این صدا این‌طور با تاریخ، با دوران آمیخته شود و متعدهانه خودش را به‌خاطر خواسته‌های اجتماع فدا می‌کند؛ این رمز بزرگ بی‌بدیلی استاد است».

فریدون مشیری: «او در اتاقی بزرگ چندین قناری و مرغ‌عشق دارد. به زعم من آوازش را با آواز قناری‌ها می‌آمیزد که دادوستدش بسیار دلنشین شده». **کامیروزشن‌روان:** «همان‌گونه که حافظ را در ادبیات بزرگ‌ترین شاعر می‌دانیم، محمدرضا شجریان نیز در موسیقی برجسته‌ترین است».

حسن کسایی: «شجریان پایش را در جایی گذاشته که دست هیچ‌کس به آن نمی‌رسد».

محمود دولت‌آبادی: «باورتان می‌شود که شخصاً با شیدن صدای آواز شجریان گریسته‌ام!»

اصغر فرهادی: «فخر هنر ایران، استاد شجریان! تاب ساز خاموشت را نداریم. نفس در سینمان حبس شده و معترفیم بی‌تو به‌سر نمی‌شود». **سیدمحمد بهشتی:** مولانا سرودن مثنوی را همچون ساختن جویی می‌داند که قرار است آبتش تا قرن‌ها آیندگان را مستفیض کند. بی‌شک جویی که مولانا و خيام و سعدی و بزرگان دیگری چون ایشان، سده‌ها پیش ساخته بودند، نیاز به میراب‌هایی داشته که یکی از بهترین میراب‌های این جوی، استاد شجریان است. ایشان کار متوسط ندارد؛ به همین سبب هیچ تعریفی از ایشان اغراق نیست؛ از کسی که به بهترین وجه فرهنگ ایرانی را نمایندگی کرده است».

بهرام بیضایی: «سطرها برای نوشتن از تو سرگردان‌اند».

علی نصیریان: «دونفر روی من تأثیر فوق‌العاده‌ای گذاشتند؛ یکی غلامحسین بنان و دیگری محمدرضا شجریان. بدون تردید این دو به من آموختند که زندگی بدون فرهنگ، هنر، موسیقی و نقش و نمایش، بی‌رنگ و کسل‌کننده است».

حسین علیزاده: «کارهایی که شجریان برای موسیقی ایران کرده است موجب شده تا موسیقی ادامه داشته باشد. شجریان شهرتش به همین چندساله خلاصه نمی‌شود. شجریان سال‌ها پیش شجریان شده و با منع‌ها از یادها نمی‌رود».

فرهاد فخرالدینی: «من بارها شاهد هنرمایی‌های او حین اجرا بوده و دیدم‌ه که چگونه حیرت همکارانم را برانگیخته است. او شریف، نجیب، شجاع و میهن‌پرست و به عبارت دیگر، انسان کاملی است و باید به این استاد

هنر

اگر چه جان دهد از شوق، باز مغیوب است اما شجریان از زبان تو (شجریان) این‌گونه ساده است:

«من همیشه خاک پیای مردم بودم. موسیقی را هیچ‌وقت به‌عنوان حرفه انتخاب نکردم؛ موسیقی ساز دل من بوده و فقط دوست داشته‌ام برای دلم و مردمی بخوانم. همیشه گفته‌ام هنر مثل آفتاب است و به دوست و دشمن باید یکسان بتابد، برای همین هنر من برای مردم از هر فکر و قوم و ایده و سلیقه است. کتاب اگر بخوانم شعر می‌خوانم و تجربه و علاقه باغبانی و نجاری (سازسازی) دارم. استاد اصلی من زندگی بوده و از هر پدیده آموخته‌ام. اگر هنری دارم این است که عاتنی را در موسیقی خود شعر کشف می‌کنم و ارائه می‌کنم، آن‌موقع است که در دل مردم می‌نشیند. شهرت من به‌خاطر آوازهایی است که نخوانده‌ام». من در تمام طول این نیم‌قرن کوشیدم تا این سنت ریشه‌دار خنیاگری ایرانی را با همه زوایا و گوشه‌ها، همه غنا و عظمت و تنوعش حفظ کنم و پاس بدارم و سپس آن را به آیندگان منتقل کنم. کوشیدم که این سنت خنیاگری را که در عمق این تمدن کهنسال ریشه دارد، از چنگ‌نوازان هخامنشی تا موسیقی‌دانان ساسانی و سپس قاریان کلام وحی پاسداری کنم و اگر می‌توانم چیزی بر آن بیفزایم و تنها به این‌ قصد که در غیاب آن معماری باشد، آه شعر و ادب غنی و درخشان، کتاب و خطاطی و مینیاتور و دیگر مایه‌های هنری این تمدن، موسیقی ایرانی را به عنوان تنها بازماده، پاسدار و نماینده این تمدن کهنسال در حال نابودی یا دست‌کم دگرگونی حفظ کنم.»

●

به‌راستی باید پرسید چرا عام و خاص، چنین از وی استقبال کرده‌اند و به قول یکی از اساتید، «چنان که امروزه از پی چهار دهه حیات هنری‌اش، از او در مقام اسطوره یاد می‌کنند.

زادروزت مبارک متولد ماه مهر!

به‌راستی مگر این نیست که اسطوره‌های تاریخ بعد از قرن‌ها در حافظه جمعی ملت‌ها حک شده‌اند؛

چگونه است که در زمان حیات، اسطوره شده‌ای؟!

از یادم نمی‌رود که باغ زیبای صدایت آن‌روز، چگونه همه زیباییای باغ گل هشت‌گردد را در مقابل دیدگانم محو کرد.

از یادمان نمی‌رود چاووشی «ای ایران ای سرای امیدت، چگونه جنبشی در دل مردم نهاد.

از خاطرمان نخواهد رفت «یارم که به لا ی‌پهرن، خوابیده زیر نسترن» آن آواز شوشتری عطراکین به کلام مبارک حافظ که با ضبط کوچک زیر بغلی‌ات در کوه‌های پونک برای فیلم «دلشدگان» ضبط کردی، چطور پر گشود و تا فرش قرمز پرزرق‌وبرق «جشنواره جهانی فیلم کن» پرواز کرد تا عالمی را مست و مسحور خود کند.

«مرغ سحر» تو خواهد ماند تا در زمانه باقی‌ست آواز باد و باران. هزار ماهی لغزان در گلویت می‌خرامند و آوازهایی که در جام جان ما ریختی «شُرب مدام» ادراک‌سا و ناوله‌است.

نه استاد! به گمانم صدای تو «بهشت» است که چنین درختان و دخترکان فرش و نقاشی ایرانی، رندی و نازی و طنازی رقص مظنون کلام حافظ و سعدی به صدای تو کوچ کرده اند.

«صدای تو را دوست دارم...!»

....

●**مطلع شعری از اسماعیل خویی در وصف محمدرضا شجریان که توسط فرزندانش همایون و مزگان در روز تولد استاد اجرا و به او هدیه شد.**

.....

همین عاشورا توانسته‌ایم با آوردن اسب‌ها چنین صحنه‌ای را بسازیم. **● ساختار موسیقی کارتان در این اپراها چگونه است؟** زمانی که باید برای اپرای عاشورا آهنگ‌سازی می‌شد، باید آهنگ‌سازی را پیدا می‌کردم که تعزیه هم آشنا می‌بود و من در اوکراین با بهزاد عبدی آشنا شدم که از این آشنایی برخوردار بود. بعد با استفاده از ارکستر سمفونیک ناسیونال اوکراین و خواندن خواننده‌های ایرانی در ایران توانستیم این اپرا را بسازیم. تمام آنچه در موسیقی تعزیه هست، ما این آهنگ‌سازی را انجام داده‌ایم.

● **ادیبانان بارها در کشورهای خارجی اجرا شده است؟**

اپرای عاشورا در فرانسه، ایتالیا و لهستان با استقبال فوق‌العاده‌ای همراه شد. برخی از شرق‌شناسان با دیدن این کار فکر می‌کردند قدمت این کار ۵۰۰ ساله است. برای همین در حاشیه اجراها و سخنرانی‌هایم در آنجا توضیح می‌دادم که این اپرا را خوانندگان امروز خوانده‌اند و من آن را با عروسک‌هایم اجرا می‌کردم. آنچه جامعه تئاتری و موسیقی‌دان‌های ما فراموش کرده‌اند، این است که موسیقی‌دان‌های گمنام تعزیه ما به جای آواز اورتو اپرای غربی نوحه‌خوانی کرده‌اند و در اجرای اپرا و نقش‌های اولیا نیز از پنجگاه، رهاوی و نوا استفاده کرده‌اند. همچنین حضرت عباس و شبیه حر در چهارگاه می‌خواندند. همچنین در دوره قاجاریه بحر طویل یک صنعت ادبی بود که شکل گرفت و از آن برای دیالوگ‌نویسی اشیا استفاده می‌شد که به جای آوازخوانی از شیوه اشلم‌خوانی که همان رسیاتپو اپرای غربی است، استفاده می‌شد. همچنین به جای عبدالله بن حسین، پسر امام حسین، نیز گوشه راک ساخته بودند که معروف بود به راک عبدالله.

● **در تهران و شهرستان‌ها امسال چندر اجرا دارید؟**

ما قبلا در شیراز آن را اجرا کرده‌ایم. امسال هم سه شب در تهران و سپس سه شب در بابل مازندران آن را اجرا می‌کنیم و بعد احتمال دارد که طبق صحبتی که کرده‌ایم، آن را چند شب دیگر نیز در باغ کتاب تهران به اجرا ببریم. ما همچنین در آترام باساز دینک شیخ صنعان و دختر ترسا از منطق‌الطیر عطار اپرای عشق را در آذرماه اجرا خواهیم کرد.

زیر آسمان فیروزهای

خاطرات جنگ نماینده فرانسه در اسکار



● **خاطرات جنگ** (Memoir of War) به کارگردانی امانوئل فینکیل، با بازی ملاتی تیری و بنژامن بیولی به‌عنوان نماینده فرانسه در بخش فیلم خارجی‌زبان نودویکمین دوره جوایز اسکار به آکادمی علوم و هنرهای سینمایی معرفی شد. به گزارش هنرآل‌این، این فیلم از روی کتاب شبه‌زندگی‌نامه‌ای «جنگ: یک زندگی‌نامه»، نوشته مارگریت دوراس، نویسنده فرانسوی، ساخته شده که در ۱۹۸۵ منتشر شد و مجموعه‌ای شامل شش متن از خاطرات او از دوران اشغال فرانسه توسط نازی‌ها در دوران جنگ جهانی دوم است. داستان فیلم «خاطرات جنگ» درباره مارگریت دوراس (تیری) است که همسرش را در جنگ از دست می‌دهد و با یک دشمن ارتباط برقرار می‌کند. او بعد از آزادی کشورش باید با مصائب جدید دست‌وپنجه نرم کند. این فیلم از میان یک فهرست کوتاه شامل پنج فیلم با مضامین متفاوت؛ از مستند هولوکاستی «چهار خواهر»، به کارگردانی کلود لازمن، گرفته تا فیلم ترسناک «اوج»، تازه‌ترین ساخته گاسپار نونه، برای رقابت در اسکار انتخاب شد. «خاطرات جنگ» را یک کمیته متشکل از چهار مدیر اجرایی شامل تیری فرمو؛ مدیر هنری جشنواره کن، آلن ترزن؛ رئیس آکادمی فیلم فرانسه، سِرژ توبیانا؛ رئیس شرکت تبلیغاتی یونیفرانس و ترزا کرمیسی؛ مدیر مرکز ملی سینما (CNC) به‌عنوان نماینده فرانسه در اسکار انتخاب کردند. کلر دنسی؛ کارگردان، نیکول گارسیا؛ بازیگر و کارگردان و ایزابل مدالن؛ تهیه‌کننده، دیگر اعضای این کمیته بودند. فرانسه سال گذشته فیلم «۱۲۰ ضربان در دقیقه»، به کارگردانی رابین کامیو، را به‌عنوان نماینده خود در بخش فیلم خارجی‌زبان جوایز اسکار انتخاب کرد که آن فیلم نامزد نشد. فرانسه در ۲۰۱۶ «او»، اولین فیلم فرانسوی‌زبان پل ورهوف، کارگردان هلندی، را به نمایندگی از خود به آکادمی معرفی کرد که آن فیلم نیز نتوانست نامزد شود. هرچند ایزابل هویر، ستاره فیلم، نامزد اسکار بهترین بازیگر زن شد. آخرین‌باری که یک فیلم فرانسوی برنده اسکار فیلم خارجی‌زبان شد، سال ۱۹۹۳ بود که «هندوچین»، به کارگردانی رژیس وارنیه، با بازی کاترین دونوو این جایزه را گرفت. از آن زمان تاکنون فرانسه ۹ بار نامزد دریافت جایزه اسکار فیلم خارجی‌زبان بوده است. فیلم فرانسوی‌زبان «عشق»، به کارگردانی میشلانیل هانکه که داستانش در پاریس روی می‌دهد، در سال ۲۰۱۳ جایزه اسکار فیلم خارجی‌زبان را برد و در چهار بخش دیگر نیز نامزد شد، اما آن فیلم را اتریش، کشور زادگاه هانکه به اسکار فرستاد. «هنرمند» هم در سال ۲۰۱۱ برنده پنج جایزه اسکار، از جمله جایزه بهترین فیلم شد، اما آن فیلم هم نماینده فرانسه در بخش فیلم خارجی‌زبان نبود. آن سال فرانسه فیلم «اعلان جنگ»، به کارگردانی والری دونزلی، را به اسکار فرستاد که نتوانست نامزد شود. فرانسه درمجموع با ۳۹ نامزدی، بیش از هر کشور دیگری نامزد دریافت جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی‌زبان بوده و با ۱۲ بار پیروزی بعد از ایتالیا، بیشترین موفقیت را در این بخش داشته است.

آهنگ‌سازی با دهان برای نمایش «اضطرابی»

● **گروه هنر:** بند موسیقی MAD اجرای موسیقی زنده نمایش «اضطرابی» به کارگردانی محمدرضا ستاری را رهبری خواهد کرد. اجرای زنده موسیقی نمایش «اضطرابی» را بند موسیقی MAD به سرپرستی وحید مصلحی‌فرد، آهنگ‌ساز این نمایش، بر عهده دارد. این گروه موسیقی فعالیت خود را از سال ۸۰ به صورت رسمی و با اجرای کنسرت‌های متعدد اجرا کرده و اکنون جزء گروه‌های برتر سبک راک و آهنگ‌سازی با دهان است.نمایش «اضطرابی» با طراحی و کارگردانی محمدرضا ستاری تازه‌ترین اثر نمایشی گروه RED8 است که از هشتم مهرماه در تالار حافظ روی صحنه می‌رود. همچنین مجری طرح این نمایش، سهیلا کواویان (مؤسسه فرهنگی و هنری یویندگان رسالت) است. در خلاصه داستان نمایش «اضطرابی» آمده: ناامید شوید، چون سقط پایان همه‌چیز است... صدایی از بیرون می‌شنوم که انگار همه قصد و نیت مرگ‌باری دارند... آشفته‌خاطرم... چرا نمی‌گذارند منم زندگی کنم؟ بازیگران این نمایش به ترتیب ورود: عباس خدآوریدان، شایدا جوامنرد، عاطفه امینی، طاه‌ها محمدی و وحیده اکبری‌نسب هستند.

نمایش «اضطرابی» از هشتم مهر در تالار حافظ به نشانی خیابان حافظ جنوبی، پایین‌تر از انقلاب، بلوار شهریار اجرا می‌شود. علاقه‌مندان به تماشای این نمایش می‌توانند به سایت تیوال مراجعه کنند.